

حقیقت عبادت از دیدگاه مذاهب کلامی با تأکید بر نقد وهابیت

* سید مهدی حسینی خواه

** حمید ملک‌مکان

چکیده

مفهوم «عبادت» یکی از مفاهیم بحث‌برانگیز میان وهابیت و مذاهب اسلامی است که اعتراض مذاهب را به دنبال داشته است. وهابیان با مطرح کردن تعریفی بسیط از عبادت، آن را به خضوع، خشوع و محبت تعریف کرده‌اند و عبادت بر اساس این تعریف را یکی از مبانی‌شان در توحید و شرک قرار داده‌اند. از این رو مصادیقی مانند استغاثه، استشفاع، نذر و ذبح لغیرالله و ... را شرک دانسته و انجام‌دهنده‌اش را مشرک خوانده‌اند. عالمان و اندیشمندان مذاهب اسلامی امامیه، اشاعره و ماتریدیه، در بیان تعاریفی که برای عبادت گفته‌اند، با تعریف وهابیت مخالفت کرده‌اند. عالمان اسلام گفته‌اند عبادت، ترکیبی از خضوع و خشوع، همراه با اعتقاد به ربوبیت، الوهیت، خالقیت، رازقیت و دیگر صفاتی از این دست برای معبود است. تعریف وهابیان از عبادت، اشکالات متعددی دارد که از جمله آنها آوردن قید بی‌پایه «نهایت محبت» در تعریف عبادت، و جامع و مانع نبودن تعریف آنها است. بر اساس تعریف وهابی‌ها، بسیاری از عبادات از تحت این تعریف خارج می‌شوند و بسیاری از اعمال غیرعبادی، ذیل عنوان «عبادت» قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: عبادت، خضوع، ربوبیت، وهابیت، مذاهب اسلامی.

مقدمه

مهم‌ترین عامل یکتاپرستی، تحقق ارکان توحید عبادی است (شریعتی سبزواری، ۱۳۸۵: ۱). در نگاه مذاهب اسلامی و وهابیت، مهم‌ترین رکنی که تبیین و تحقق صحیحش تأثیر مستقیم در تحقق توحید عبادی دارد، مفهوم «عبادت» است. این مسئله به اندازه‌ای در میان علمای مذاهب اسلامی مسلم بوده که معمولاً آنها به تعریف حقیقت عبادت مبادرت نمی‌ورزیدند و اگر هم تعاریفی مطرح می‌کردند، التزام به بیان تعریف جامع و کامل آن نداشتند؛ تا آن هنگام که وهابیان، تعریفی مخالف تعریف مسلمانان از عبادت مطرح کردند. آنها به سبب تعریف خود، گروه عظیمی از مذاهب اسلامی را از دایره اسلام خارج کردند و حکم به مشرک بودن آنها و مباح بودن خونشان دادند. مهم‌ترین پرسش‌های مطرح‌شده در این زمینه این است که: مذاهب کلامی اسلامی چه تعریفی از عبادت مطرح کرده‌اند؟ آیا تعاریفشان با وهابیت یکی است؟ اشتباهات وهابیت و پاسخ‌های مطرح در خصوص تعریف عبادت چیست؟

پس از رواج یافتن تعریف وهابیت از عبادت در جوامع اسلامی، افرادی با نوشتن کتاب، پایان‌نامه و مقاله شروع به پاسخ‌گویی کردند. «مؤلفه‌های توحید عبادی در مقارنه دیدگاه امامیه و سلفیه» نوشته محمدعلی اخویان، «نقد دیدگاه وهابیت در مفهوم عبادت با تأکید بر آیه فلا تدعوا مع الله احدا» نوشته سید جلال مهدی‌زاده و مهدی فرمانیان، «بررسی مفهوم عبادت از دیدگاه وهابیت و اهل سنت» نوشته سید جابر مهدوی و حسین قاضی‌زاده از جمله آنها است؛ اما وجه تمایز این نوشته از مقالات مذکور، بررسی مقایسه‌ای دیدگاه بزرگان مذاهب اسلامی با رویکرد نقد وهابیت است. همچنین، به مقارنه دیدگاه امامیه با دیدگاه اشاعره و ماتریدیه نیز پرداخته‌ایم و نشان داده‌ایم که تمام مذاهب اسلامی، اعم از امامیه و اهل سنت، به خلاف وهابیت، تعریف مشترکی از «عبادت» بیان کرده‌اند و وهابیان تنها گروه در جهان اسلام هستند که با برداشت ناصواب از عبادت، دست به تکفیر مذاهب اسلامی زده‌اند.

معنای لغوی «عبادت»

«عبادت» نیز همانند بسیاری دیگر از مفاهیم اسلامی دارای دو معنای لغوی و

اصطلاحی است. از نظر لغویان، ماده (ع ب د) در سه باب از ابواب ثلاثی مجرد به کار رفته است (عَبْد، يَعْبُدُ)، (عَبِد، يَعْْبُدُ)، (عَبْدُ، يَعْْبُدُ)، (مُصْطَفَى وَ دِيْغْرَان، ۱۴۱۸: ۵۷۹). محور بحث‌ها در معنای عبادت بر محور مملوک بودن در مقابل مولا یا بنده بودن در مقابل خدا است، که این اختلاف در معنا از اختلاف در معنای باب نشئت می‌گیرد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۷۰/۳). «عبادت» در لغت به معنای خضوع و خشوع، و اظهار خضوع آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۲). برخی آن را به خضوع و تذلل معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۷۰/۳؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۳۸۹/۲). دیگری گفته است «عبادت» به معنای نرمی و خواری است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۴: ۲۸۲). همچنین، در معنای «عبادت» گفته‌اند به معنای خضوع و مسکنت است (جوهری، ۱۳۹۹: ۵۰۳/۲). ابن سیده که ذهبی او را امام لغت می‌داند (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۴۴/۱۸) معتقد است عبادت، نوعی خضوع خاص است. او می‌گوید خضوعی که بالاتر از آن خضوعی نباشد، عبادت است. ابن سیده معتقد است فقط کسی مستحق این خضوع است که بالاترین نعمت‌ها مثل حیات و فهم و سمع را داده باشد، و کسی که این نعمت‌ها را داده است فقط الله است و فقط الله مستحق این عبادت است و غیر خدا، چون این نعم را عطا نکرده‌اند پس خضوع در برابرشان خضوع تام نیست و خضوع غیرتام هم عبادت نیست (ابن سیده، ۱۴۱۷: ۶۲/۴). در جمع‌بندی کلام اهل لغت می‌توان گفت خضوع، فروتنی و تواضع مطلق است، لذا لفظی، زبانی و عملی را هم شامل می‌شود، یعنی اگر کسی در مقابل کسی یا چیزی خضوع کند او را از نظر لغوی عبادت کرده است. خضوع در مقابل والدین نیز عبادت لغوی است و خضوع برادران یوسف در مقابل او از لحاظ لغوی عبادت محسوب می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۹۶). اما معنای عبادت در قرآن و کلام اندیشمندان اسلامی کدام است؟

بررسی کاربرد مفهوم «عبادت» در قرآن

بیش از ۲۷۲ مرتبه ماده (ع ب د) در معانی گوناگون استفاده شده است. اگر قرار باشد تمام (ع ب د) های قرآن، به معنای خضوع و خشوع باشد، یعنی خداوند متعال در آیاتی همچون بقره: ۲۱، نساء: ۳۶، مائده: ۷۲، اعراف: ۸۵، سبأ: ۴۰، آل عمران: ۷۹، شعراء: ۷۱،

یس: ۶۰، امر به خشوع در برابر خود کرده و مردم را از خشوع در برابر غیر باز داشته است. این در حالی است که خدا در یک جا نهی از عبادت انبیا دارد (آل عمران: ۷۹)، و در جای دیگر به خضوع در برابرشان فرمان می‌دهد (نساء: ۶۵). همچنین، به خضوع در برابر والدین (اسرا: ۲۴) و تمام مؤمنان (حجر: ۸۸) امر کرده است. پس از این دوگانگی استعمال ماده (ع ب د) در قرآن فهمیده می‌شود، «عبادت» باید دارای معنایی فراتر از خضوع و خشوع باشد. لذا مفسران فریقین پس از مشاهده آیات قرآن گفته‌اند «عبادت» علاوه بر خضوع و خشوع دارای قیود دیگری همچون اعتراف به ربوبیت و یکتایی حق تعالی (تستری، ۱۴۲۳: ۲۳/۱) یا الاهدانستن معبود (بلاغی، ۱۴۱۹: ۲۳/۱) است، و صرف خضوع و خشوع، معنای صحیحی برای «عبادت» نیست.

حقیقت عبادت در نگاه فِرقِ اسلامی

پس از بیان استعمال ریشه «عبادت» در قرآن، و دریافت اولیة دوگانگی معنای لغوی و کاربرد قرآنی‌اش، باید به آثار و آرای عالمان بزرگ اسلام رجوع کرد تا آشکار شود که آنها چه تعریفی از «عبادت» داشته‌اند و کدام برداشت موافق با قرآن است و چه کسانی از دین مبین اسلام در فهم معنای «عبادت» فاصله گرفته‌اند.

امامیه

علمای امامیه در مقام تعریف مفهوم «عبادت» به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ عده‌ای از علما تعریف شاذی از «عبادت» مطرح کرده‌اند، به گونه‌ای که جامع افراد و مانع اغیار نیست، و گروهی دیگر که مشهور امامیه‌اند، عبادت را به نحوی بیان کرده‌اند که جامع در افراد و مانع اغیار باشد. حکمت اینکه علمای دسته اول، تعاریفشان جامع و مانع نیست، این است که در آن زمان شبهات درباره معنای «عبادت» شیوع پیدا نکرده بوده و عالمان دین، اختصاص عبادت به خداوند متعال را مفروض می‌پنداشتند. لذا اگر تعریفی هم بیان می‌کردند معمولاً به صورت استطرادی در ابواب صلاة یا صوم بیان می‌کردند. مانند محمدتقی مجلسی: «عبادت نهایت تذلل و خشوع است» (مجلسی، ۱۴۰۶: ۲/۳۳۹)، همان‌طور که علی‌رغم تعریف کردن «عبادت» به نهایت تذلل، هیچ وقت به تذلل در برابر غیر الله «عبادت» اطلاق نکرده‌اند، مثلاً ایشان نهایت خضوع در

برابر پدر و مادر، غایت تذلل در برابر استاد، سجده برادران یوسف و سجده ملائکه به آدم را عبادت غیر الله ندانسته‌اند. با این شواهد مشخص می‌شود عالمان امامی‌ای که عبادت را به خضوع و خشوع تفسیر کرده‌اند، در مقام تعریف تام از عبادت نبوده‌اند و عبادت شرعی مفروض ذهنشان بوده است.

علمای دسته دوم که مشهور امامیه‌اند، در صدد بیان معنای دقیقی از «عبادت» برآمدند، مانند شیخ صدوق. وی در کتاب معانی الاخبار، وقتی می‌خواهد به معنای عبادت پردازد به روایتی استناد می‌کند که می‌گوید عبادت عملی است که همراه با نیت صحیح به اطاعت خداوند متعال باشد. یعنی در نظر وی، عبادت به معنای خشوع همراه با نیت اطاعت از خداوند متعال است (صدوق، بی‌تا: ۲۴۰/۱). طبرسی می‌گوید: «عبادت شایسته کسی است که همه هستی را آفریده و تمام نعمت‌ها از اوست و چون غیر الله قادر بر اعطای این نعمت‌ها نیست، پس پرستش منحصر به اوست» (طبرسی، ۱۴۱۵: ۵۷/۱)؛ ابوالفتوح رازی می‌گوید: «کسی را عبادت کنی که اعتقاد به ربوبیت آن الاه داشته باشی» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۴۰۷/۴)؛ به نظر قطیفی، «کسی مستحق عبادت است که دارای شئون ربوبی باشد» (القطیفی، ۱۴۳۲: ۱۴)؛ محمدباقر مجلسی درباره معنای «عبادت» معتقد است عبادت صرف خضوع و خشوع نیست، بلکه «عبادت شرعی یعنی اظهار خضوع و نیاز به محضر خداوند» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷/۱۲)؛ همچنین، بلاغی می‌گوید: «برخورد انسان با چیزی که او را الله بداند و آن عمل را مستحق خدا بداند، عبادت است» (بلاغی، ۱۴۱۹: ۵۸/۱).

تمام مسلمانان معتقدند این صفات بالاستقلال مخصوص خدا است و هیچ شریکی برای ایشان در این صفات نیست. لذا خضوع مسلمانان برای غیر الله عبادت به حساب نمی‌آید. همچنین، دیگر بزرگان امامیه درباره معنای «عبادت» اعتقاد به الوهیت و ربوبیت را بیان کرده‌اند. عصار، فقیه و جامع معقول و منقول نیز درباره «عبادت» معتقد است: «عبادت یعنی اطاعت همراه با خشوع به شرط آنکه این اطاعت ناشی شود از شعور به یک عظمت فوق طبیعت و یک کمال غیرمتناهی و مجهول‌الکنه که همه موجودات مسخر آن نیرو هستند» (عصار، ۱۳۷۶: ۳۷۹-۳۸۲). تعریف عصار یکی از تعاریف دقیق در میان امامیه است. بنا به این تعریف، گرچه مسلمانان در برابر اولیای

الاهی خشوع کنند، اما او را عبادت نکرده‌اند، زیرا هیچ مسلمانی به کمال غیرمتناهی برای غیر الله اعتقاد ندارد و همه مخلوقات را نیازمند و فقیر به خداوند متعال می‌داند؛ محمدحسین طباطبایی معتقد است: «هر خضوعی که ناشی از اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت و یا تفویض کاری به موجود مورد خضوع باشد، عبادت شمرده می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۴/۱)؛ همچنین، موسوی خمینی می‌گوید: «عبادت یعنی کسی را ستایش کنی که اعتقاد به خدا بودن آن داری» (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۳)؛ وی در تعریف خود مضاف بر عمل، قصد و اعتقاد به خدا بودن را نیز وارد کرده است. خوبی درباره کلمه «عبادت» می‌گوید: «عبادت یعنی خضوع و خشوع با اعتقاد به رب بودن اله» (خوبی، بی‌تا: ۴۶۳). وی قید اعتقاد به ربوبیت معبود را در تعریف داخل کرده و صرف خضوع در برابر چیزی را عبادت نمی‌داند؛ سید محسن خرازی می‌گوید: «عبادت خضوع و خشوع برای خالق اصلی، مالک و رب العالمین است» (خرازی، ۱۴۱۷: ۶۶/۱)؛ جوادی آملی و جعفر سبحانی در تعریف «عبادت» گفته‌اند: «انجام عملی برای غیر با اعتقاد به ربوبیت و الوهیت آن معبود» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۱۹؛ سبحانی، ۱۴۱۷: ۴۴)؛ مصباح یزدی می‌گوید: «خضوع و خشوع در مقابل شخصی ... به طور قطع، هر خضوعی را نمی‌توان عبادت گفت؛ بلکه عبادت عملی است که با اعتقاد به الوهیت کسی همراه باشد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۱۸)؛ و همانند همین تفاسیر را دیگر عالمان امامیه نیز بیان کرده‌اند (انصاری، ۱۴۲۹: ۴۲۹/۳؛ قزوینی، ۱۴۲۴: ۴۲۶/۲؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۱: ۴/۳؛ نائینی، ۱۴۱۱: ۴۸/۲؛ کلباسی، بی‌تا: ۱۸۸).

با توجه به تعاریف مذکور، «عبادت» علاوه بر معنای لغوی، یعنی خضوع، سه ویژگی دارد: اعتقاد به الوهیت معبود، اعتقاد به ربوبیت او و تفویض کار به موجودی که در برابرش خضوع می‌شود. خصوصیت سوم، خضوع در برابر کسی است که دارای صفات خدایی به نحو استقلالی باشد، همانند اینکه معبود را مستقلاً رازق یا محیی و ممیت بداند. پس به سبب این مطالب مشهور عالمان امامیه، خضوعی را «عبادت» نامیده‌اند که همراه با اعتقاد به ربوبیت و الوهیت معبود باشد؛ بنابراین، عبادت را فقط منحصر در الله، جل جلاله، می‌دانند. اما خضوع و خشوع در برابر اولیای الهی، پدران و مادران، استادان و بزرگان به دلیل نبود شروط عبادت، یعنی قصد الوهیت و ربوبیت،

عبادت نیست و فقط به سبب احترام، تحیت و تکریم است که شارع نیز به این تکریم دستور داده است.

اشاعره

اشاعره به عنوان بخش عظیمی از مسلمانان جهان اسلام، همانند دیگر هم‌کیشانان علاوه بر خضوع و خشوع، عنصر دیگری را نیز در تعریف مفهوم «عبادت» دخیل دانسته‌اند. طبری می‌نویسد: «عبادت خضوع و خشوع در برابر پروردگار است که با اطاعت او همراه می‌شود» (طبری، ۱۴۱۲: ۳۶۲/۱). او علاوه بر خضوع و خشوع، در برابر پروردگار بودن را نیز شرط دانسته است. باجی چنین نوشته است: «عبادت یعنی طاعت و تذلل برای خداوند متعال به وسیله آنچه در شرع مشخص شده است» (باجی، ۱۴۲۰: ۵۷)؛ فخر رازی می‌نویسد: «عبادت به گفتار و رفتار همراه با خضوع در برابر خداوند گفته می‌شود» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۸۰/۱۷)؛ قرطبی نگاشته است: «عبادت یعنی یگانه پرستی و التزام به قوانین الاهی» (قرطبی، بی‌تا: ۲۲۵/۱)؛ قرافی می‌گوید: «عبادت یعنی اطاعت امر خداوند متعال در اظهار خضوع و انقیاد به خاطر جلالت شأن الله» (القرافی، بی‌تا: ۱۸۹/۲)؛ حقی حنفی چنین گفته است: «عبادت خضوع در برابر خداوند متعال همراه با اظهار تذلل و نیاز است» (حقی حنفی، بی‌تا: ۱۵۲/۳)؛ مراغی نوشته است: «عبادت خضوعی است که از درک قلبی عظمت معبود است، اعتقاد به اینکه عقل باطن او را نمی‌تواند درک کند» (مراغی، ۱۹۸۵: ۳۲)؛ عیسی بن عبدالله حمیری نوشته است: «عبادت شرعی نهایت خضوع قلبی و قالبی است». او در تفسیر خضوع قلبی می‌گوید مراد از خضوع قلبی اعتقاد به ربوبیت معبود است، یا اینکه عبد، خصوصیتی را برای معبود در نظر داشته باشد که برای غیر الله جایز نیست، مثل استقلال در نفع و ضرر (حمیری، ۱۴۱۹: ۳۳۷)؛ ابن عاشور می‌گوید: «هنگامی خضوع و خشوع عبادت نامیده می‌شود که از سر اخلاص باشد و عبادت‌کننده به الوهیت معبود اعتقاد داشته باشد» (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳۲۶/۱)؛ خرشی می‌گوید: «عبادت یعنی اظهار تذلل، و این سزاوار کسی نیست مگر اینکه در نهایت فضیلت باشد و آن الله متعال است» (الخرشی، بی‌تا: ۱۳/۱).

می‌توان ادعا کرد تمام علمای اشعری که در مقام بیان تعریف «عبادت» بوده‌اند،

علاوه بر خضوع و خشوع، اعتقاد به ربوبیت معبود را شرط دانسته‌اند. لذا اگر کسی در مقابل چیزی خضوع کند و او را دارای شئون ربوبی نداند، عملش عبادت محسوب نمی‌شود. بنا بر تعاریف عالمان اشعری از «عبادت»، اعمالی مانند سجده توحیت، خضوع در مقابل والدین، خشوع در برابر استاد شرک نیست.

ماتریدیه

ماتریدیان که در کلام، پیروان ابومنصور ماتریدی هستند، همانند دیگر مسلمانان جهان، در تعریف‌هایشان از عبادت، قصد عبودیت را لحاظ کرده‌اند و صرف خضوع و خشوع را عبادت ندانسته‌اند. ابومنصور ماتریدی عبادت را به اعمالی تعریف می‌کند که رب به آن راضی باشد. او علت انحصار عبادت برای پروردگار را، داشتن صفاتی همچون خالقیت، الوهیت و ربوبیت می‌داند (ماتریدی، ۱۴۲۷: ۲۸۹). ابوالفتح اسمندی می‌گوید: «عبادت تنها تذلل و خضوع نیست، بلکه باید نیت عبودیت نیز همراه عمل باشد» (اسمندی، ۱۴۲۸: ۲۷/۱)؛ همچنین، ابن‌نجیم می‌نویسد: «هیچ عملی عبادت نمی‌شود مگر اینکه همراه با نیت باشد». از این‌رو به اعمال مجنون و صبی «عبادت» گفته نمی‌شود. چون نیت عبادت همواره در اعمالشان وجود ندارد (ابن‌نجیم، بی‌تا: ۳۱۳/۲)؛ همانند این کلام را نیز ابن‌همام گفته است (ابن‌همام، بی‌تا: ۳۲۸/۴)؛ همچنین، در جای دیگر می‌گوید کسی مستحق عبادت است که دارای صفات الوهی باشد و هیچ‌ند، ضد، مثل و شباهتی در ذات و صفات نداشته باشد (ابن‌همام، ۱۳۱۷: ۳۲۶/۱). لذا چون کسی غیر از الله متعال دارای این صفات نیست، پس خضوع در برابر غیر الله عبادت محسوب نمی‌شود. یکی از تعاریفات دقیق «عبادت» از قاضی بیاضی است. وی می‌گوید: «عبادت اظهار خضوع و نهایت تواضع برای کسی است که دارای صفات ربوبی خلق، تدبیر و احسان باشد» (بیاضی، ۲۰۰۷: ۲۸۹/۱). به همین دلیل خضوع در برابر مخلوقان همانند والدین، استادان و اولیای الاهی، به دلیل نداشتن ربوبیت، عبادت نیست و موجب شرک نمی‌شود.

پس مذاهب کلامی بر اساس قرآن، معنای صحیحی از «عبادت» بیان کرده و بر اساس آن اعمال مسلمانان و مشرکان را تحلیل کرده‌اند.

ماهیت عبادت در نگاه وهابیت

وهابیان معتقدند عبادت فقط باید برای خداوند متعال انجام شود (ابن عبدالوهاب، بی تا: ۳۹/۱)، همچنان که خداوند حکمت فرستادن پیامبرانش را همین مطلب دانسته است: «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶). اما آنان در صغرای بحثشان، یعنی معنای دقیق اصل عبادت، دچار مشکل شده‌اند.

تعاریف چهارگانه

وهابیان برای عبادت چهار دسته تعریف ذکر کرده‌اند که تمام این تعاریفات اشکالات اساسی دارد و در ادامه بررسی و نقد شده است:

۱. محمد بن عبدالوهاب می‌گوید: «عبادت غایت خضوع و خشوع و غایت حب است» (ابن عبدالوهاب، بی تا: ۷). بن‌عشیمین هم معتقد است: «عبادت دارای دو رکن است. رکن اول: نهایت محبت؛ رکن دوم: نهایت خضوع. لذا اگر کسی را که دوست داشته باشی اما در مقابل او خضوع نکنی، او را عبادت نکرده‌ای و کسی که در مقابل او خضوع کنی اما دوستش نداشته باشی، او را عبادت نکرده‌ای. عبادت برای کسی است که هم او را دوست داشته باشی و هم در مقابل او کرنش و خضوع کرده باشی» (بن‌عشیمین، ۱۴۲۴: ۱۲۰).

۲. ابن‌فوزان و صالح آل‌شیخ می‌نویسند: «عبادت عنوان جامعی است برای آنچه خداوند (اعم از قول و عمل ظاهری و باطنی) دوست داشته و بدان رضایت داشته باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ» (کوثر: ۲)؛ خداوند در این آیه از سوره کوثر به نماز و قربانی کردن امر کرده است. این مطلب نشان می‌دهد این دو کار را دوست داشته و به انجام آن رضایت دارد. از این جهت نماز و قربانی، عبادت است» (آل‌الشیخ، ۱۴۲۴: ۱۴۵؛ ابن‌فوزان، ۱۴۲۳: ۳۰/۱).

۳. آل‌الشیخ در تعریف دیگری که از «عبادت» می‌نویسد: «عبادت عبارت است از هرچه عبد به سبب آن به خداوند متعال نزدیک می‌شود و آن یا امثال دستورها است یا ترک کردن نهی‌ها. بدین جهت ذبح عبادت نامیده می‌شود. زیرا این کار با امر خداوند برای نزدیکی به او انجام شده است» (همان).

۴. آل‌سعدی، مفسر و دانشمند حنبلی، می‌گوید: «عبادت، دوست داشتن به همراه خضوع و تذلل است. پس هر کسی که در مقابل او خضوع، و از او اطاعت کردی و دوستش



داشتی، او را عبادت کرده‌ای» (آل سعدی، ۱۴۰۷: ۱۱۶)؛ همچنین، ابن‌باز در تعریف «عبادت» می‌نویسد: «عبادت یعنی خضوع برای خدا و تذلل برای او» (بن‌باز، بی‌تا: ۳۲۵/۱).

بررسی و نقد

در این بخش تعاریف بزرگان وهابی را بررسی و نقد می‌کنیم.

قید «نهایت محبت»

وهابیان خود را مخالف تأویل معرفی می‌کنند و سعی بر حفظ ظاهر دارند (حلمی، ۱۴۱۸: ۱۰۳). لذا می‌پرسیم قید «غایت محبت» را با توجه به چه ظاهری اخذ کرده‌اند؟ اگر گفته شود بر اساس معنایی است که عالمان لغت بدان معتقدند با بررسی معنای لغوی درباره وضع لغوی عبادت، هیچ یک از لغت‌دانان عبادت را به «غایت محبت» تعریف نکرده بودند، و اگر گفته شود بر اساس ظواهر نصوص دینی است، باید گفت این تعریف موافق با ظاهر هیچ یک از ظواهر نصوص دینی نیست و وهابیان در تعریف عبادت بر اساس ظواهر به‌خطا راه پیموده‌اند؛ و برای توجیه، استناد به آیه ۶۲ سوره توبه^۱ تلاشی بی‌حاصل است، چراکه خداوند در این آیه می‌فرماید انسان نباید محبت چیزی غیر از خدا و رسول را در دل داشته باشد. محمد بن عبدالوهاب بر همین اساس گفته است محبت چون مختص به خدا است پس در معنای «عبادت» نیز داخل می‌شود. چون عبادت نیز مختص به خدا است. او در این استدلال دچار اشتباه شده است، زیرا آیه در مقام این نیست. هر چه مختص به خدا باشد باید در عبادت هم اخذ شود. همچنین، آیه محبت به رسول را نیز عطف به الله کرده است. آیا کسانی که از محبت، عبادت را برداشت کرده‌اند، به عبادت پیامبر اکرم (ص) نیز قائل می‌شوند؟!

جامع و مانع‌نبودن تعریف

هدف وهابیت از بیان دو تعریف اول این است که هر آنچه خداوند دوست داشته و از آن رضایت داشته یا با انجام‌دادنش به خداوند تقرب پیدا می‌شود، اگر برای خداوند متعال انجام شود عبادت اوست و اگر برای غیر خداوند انجام شود شرک، و عبادت غیر الله است. اما این سخن کامل نیست، زیرا منطبق بر همه مصادیق عبادت نمی‌شود. مثلاً در عالم هستی بسیاری از افعال وجود دارد که خداوند دوست دارد و شخص مؤمن با



انجام‌دادنش به خداوند متعال نزدیک می‌شود، مانند برداشتن موانع از سر راه، کمک به دیگران و ... حال اگر این امور برای غیرخدا انجام شود، شرک به خداوند و عبادت غیرخدا نیست. می‌توان این کارها را برای ارتباط با مسئولی انجام داد اما کسی نمی‌گوید با انجام‌دادن این کار، فلان مسئول عبادت شده است (نابلسی، ۲۰۱۷: ۱۵۵).

هر کس به سجده مشرک در مقابل بت نگاه کند بلافاصله می‌گوید آن شخص عبادت غیر الله کرد. اما اگر همان مشرک به گرسنه‌ای غذا دهد تا به فردی نزدیک شود کسی نمی‌گوید فلانی عبادت غیر الله کرده است (همان: ۱۵۴). صالح بن فوزان می‌گوید: «اگر کسی با حالتی وارد شود که مانع خشوع است، مانند نگاه‌داشتن بول، سرمای شدید یا گرمای شدید، نمازش صحیح است اما کراهت دارد» (بن‌فوزان، ۱۹۷۱: ۱۸۳/۱). پرسش این است که: وقتی فقدان خشوع مانع صحت نماز نمی‌شود، چطور وهابیان غایت خشوع را شرط عبادت می‌دانند؟!

در شرع مقدس برخی از افعال که خداوند متعال دوست داشته و به آن راضی است برای غیر الله انجام شده است؛ اما کسی نگفته است فاعل آن مشرک است. سجده ملائکه برای آدم (اسراء: ۶۱) و نیز سجده برادران یوسف برای آن حضرت (یوسف: ۱۰۰)، از این قبیل است. با این حال، آنها با انجام‌دادن این کار مشرک نشدند (نابلسی، ۲۰۱۷: ۱۵۴).

این تعریف با بسیاری از افعال که در آن کرنش و خضوع برای غیر خداوند متعال وجود دارد، نقض می‌شود. خداوند ما را امر به کرنش، خضوع، محبت و اطاعت در مقابل رسول‌الله کرده است (نساء: ۶۵). در شرع مقدس به خضوع در مقابل مؤمنان (حجر: ۸۸) و احترام در مقابل والدین امر شده است (اسراء: ۲۴). در این صورت آیا شرع، دستور به عبادت غیرخدا داده است؟! حضرت یعقوب با تمام محبتی که به یوسف داشت (یوسف: ۸۴-۸۵) در مقابل او نهایت خضوع را به عمل آورد و سجده کرد (یوسف: ۱۰۰). البته وهابیان نمی‌توانند به عنوان توجیه از قول مفسران استفاده کنند و بگویند سجده یعقوب سجده تحیت بوده است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۳۵۳/۴؛ ابن‌تیمیه، ۱۴۱۶: ۳۶۰/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۷/۷). زیرا دو رکن عبادت که محبت و خضوع است در این عمل قرار دارد. حتی آنها نمی‌توانند مدعی شوند که این عمل در زمان یعقوب شرک نبوده است. زیرا ابن‌باز تصریح دارد که توحید و ترک شرک در میان تمام انبیای الهی ثابت بوده

است (بن‌یاز، ۱۴۲۰: ۱۷/۲). آیا وهابیان ابراز می‌کنند که پیامبری که دعوت‌کننده به توحید بود و خدا او را ستایش کرده (بقره: ۱۴۰) مشرک است؟

مطابق نقل نابلسی، در عالم اقوام و قبایلی هستند که مدت طولانی در مقابل بتشان به صورت چهارزانو می‌نشینند و آن را عبادت می‌کنند. گروهی با آویزان شدن در مقابل بت او را پرستش می‌کنند. اما هیچ یک از این افعال را خداوند متعال تأیید نکرده و به آن راضی نیست و تقریبی هم به خداوند متعال در این افعال دیده نمی‌شود، در حالی که این اعمال به قصد عبادت غیر الله انجام می‌شود (نابلسی، ۲۰۱۷: ۱۵۴).

همچنین، تعریف وهابیان با بسیاری از عبادات مسلمانان نقض می‌شود، بلکه باید گفت با عبادت اکثر مسلمانان در تضاد است. زیرا فقط انبیا و مخلصان از اولیا هستند که دارای نهایت خضوع به همراه نهایت محبت در عبادت‌اند. عبادت اکثر مسلمانان نه دارای نهایت محبت است و نه دارای نهایت خضوع! (همان). در روایتی از احمد بن حنبل نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود: «مِنْكُمْ مَنْ يَصَلِّي الصَّلَاةَ كَامِلَةً، وَمِنْكُمْ مَنْ يَصَلِّي النَّصْفَ، وَالثَّلْثَ، وَالرَّيْعَ حَتَّى بَلَغَ الْعُشْرَ» (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۲۸۰/۲۴، ح ۱۵۵۲۲). طبق این حدیث، بسیاری از مسلمانان نماز کاملی نمی‌خوانند. اما آیا وهابیان به نماز مسلمانان، عنوان «عبادت» را اطلاق نمی‌کنند؟

نتیجه

نگاه وهابیت به عبادت و ماهیتش نگاهی است مخالف اسلام و برداشت تمام عالمان اسلامی. آنها با تعریفی سطحی از «عبادت» که عالمان مسلمان آن را نقد کرده‌اند، و برخی از آنها در این نوشته منعکس شد، مسلمانان را «مشرک» نامیده‌اند و با دیدن صرف خضوع برای غیر الله، آنها را رمی به کفر کرده و خونشان را مباح شمرده‌اند. طبق آنچه در تعریف عبادت از منظر عالمان امامیه، اشاعره و ماتریدیه گذشت، عالمان امت اسلامی برداشتی مخالف با فهم وهابیان داشته و معتقدند عبادت یعنی خضوع همراه با نیت عبادت در مقابل کسی که دارای صفات ربوبی و الوهی باشد. در مواضعی هم که احیاناً شباهتی دیده می‌شود مشخص شد که آن بزرگان، در صدد تعریف تام از عبادت نبوده‌اند و بر اساس تعریف خود، مسلمانان را کافر و مشرک خطاب کرده‌اند.

پی نوشت

۱. «يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ».



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن الهمام، محمد بن عبد الواحد (۱۳۱۷). المسامرة للكمال بن أبی شریف بشرح المسائر للعلامة الكمال بن الهمام في علم الكلام، مصر: مطبعة الكبرى الاميرية ببولاق.
۳. ابن الهمام، محمد بن عبد الواحد (بی تا). فتح القدير، بيروت: دار الفكر.
۴. ابن باز، عبد العزيز (بی تا). مجموع الفتاوى، بی جا: بی نا.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (۱۴۱۶). مجموع الفتاوى، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مدينة نوبة: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
۶. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶). مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: أحمد محمد شاکر، القاهرة: دار الحديث، الطبعة الأولى.
۷. ابن سیده، ابو الحسن علی بن اسماعیل (۱۴۱۷). المختصص، محقق: خليل ابراهم جفال، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحرير والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بيروت: مؤسسة التاريخ العربی.
۹. ابن عبد الوهاب، محمد (بی تا). الرسالة المفيدة المهمة الجلیلة، المحقق: محمد بن عبد العزيز المانع، ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد.
۱۰. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، تحقیق و تصحیح: عبد السلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامی.
۱۱. ابن فوزان، صالح (۱۴۲۳). إغاثة المستفید بشرح كتاب التوحید، بيروت: مؤسسة الرسالة.
۱۲. ابن فوزان، صالح (۱۹۷۱). تیسیر الزاد المستقنع، بيروت: دار الكتب العلمية.
۱۳. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بی جا: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). لسان العرب، بی جا: نشر أدب الحوزه.
۱۵. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم (بی تا). البحر الرائق شرح كز الدقائق، بيروت: دار الكتاب الإسلامی، الطبعة الثانية.
۱۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، محقق: محمدجعفر یاحقی، محمدمهدي ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

١٧. اخويان، محمدعلي (١٣٩٢). «مؤلفه‌های توحيد عبادى در مقارنه ديده‌گاه اماميه و سلفيه»، در: پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ش ٩، ص ٧-٣٢.
١٨. اسمندى، محمد بن عبد الحميد (١٤٢٨). طريقة الخلاف فى الفقه بين الأئمة الأسلاف، تحقيق: محمد زكى عبد البر، قاهره: مكتبة دار التراث.
١٩. انصارى، قدرت‌الله (١٤٢٩). موسوعة احكام الاطفال و ادلتها، قم: مركز فقهى ائمه اطهار.
٢٠. آل الشيخ، صالح بن عبد العزيز (١٤٢٤). التمهيد لشرح كتاب التوحيد، بی‌جا: دار التوحيد، الطبعة الأولى.
٢١. آل سعدى، عبد الرحمن بن ناصر (١٤٠٧). الحق الواضح المبين فى شرح توحيد الأنبياء والمرسلين من الكافية الشافية، عربستان: دار ابن القيم.
٢٢. آلوسى، محمود بن عبد الله (١٤١٥). روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، تحقيق: على عبد البارى عطية، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
٢٣. باجى، سليمان بن خلف (١٤٢٠). الحدود، قاهره: دار الافاق الجديدة.
٢٤. بلاغى، محمد جواد (١٤١٩). آلاء الرحمن فى تفسير القرآن، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية، مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة مركز الطباعة والنشر.
٢٥. بن باز، عبد العزيز بن عبد الله (١٤٢٠). مجموع فتاوى و مقالات متنوعة، المحقق: محمد بن سعد الشويرى، رياض: دار القاسم للنشر.
٢٦. بن عثيمين، محمد بن صالح (١٤٢٤). شرح ثلاثة الأصول، بی‌جا: دار الثريا للنشر للطبعة.
٢٧. البياضى، قاضى كمال الدين (٢٠٠٧). اشارات المرام من عبارات الإمام ابى حنيفة النعمان فى اصول الدين، بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٨. جوادى آملی، عبدالله (١٣٨٥). تفسير موضوعى قرآن كريم: توحيد عبادى، قم: اسراء، چاپ دوم.
٢٩. جوهرى، اسماعيل بن حماد (١٣٩٩). الصحاح، بيروت: دار العلم، الطبعة الثانية.
٣٠. حقى حنفى، اسماعيل بن مصطفى (بی‌تا). تفسير روح البيان، بيروت: دار الفكر.
٣١. حلمى، مصطفى (١٤١٨). تعريف الخلف بمنهج السلف، رياض: دار ابن الجوزى، الطبعة الاولى.
٣٢. حميرى، عيسى بن عبد الله (١٤١٩). تصحيح المفاهيم العقيدية فى الصفات الإلهية، مصر: دار السلام.
٣٣. خرازى، سيد محسن (١٤١٧). بداية المعارف الإلهية فى شرح عقائد الإمامية، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الرابعة.

۳۴. الخرشى، محمد بن عبد الله (بى تا). الخرشى على مختر سيدى خليل، بيروت: دار الفكر.
۳۵. خمينى، سيد روح الله (۱۳۷۸). كشف الاسرار، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.
۳۶. خويى، ابوالقاسم (بى تا). البيان فى تفسير القرآن، بى جا: دار الزهراء.
۳۷. ذهبى، شمس الدين (۱۴۰۵). سير اعلام النبلاء، محقق: شعيب ارنووط، بيروت: مؤسسه الرسالة.
۳۸. راغب اصفهانى، حسين بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن، تحقيق: صفوان عدنان، بيروت: دار القلم.
۳۹. سبحانى، جعفر (۱۳۸۸). آيين وهابيت، تهران: مشعر.
۴۰. سبحانى، جعفر (۱۴۱۷). الاسماء الثلاثة الاله الرب والعبادة، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
۴۱. شريعتى سبزوارى، محمد باقر (۱۳۸۵). بى جا
۴۲. صدوق، ابو جعفر محمد بن على (بى تا). معانى الاخبار، بى جا: دار المعرفة للطباعة والنشر.
۴۳. طباطبايى، محمد حسين (۱۳۹۳). الميزان فى تفسير القرآن، بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، الطبعة الثالثة.
۴۴. طبرسى، فضل بن حسن (۱۴۱۵). مجمع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: مؤسسه الأعلمى للمطبوعات.
۴۵. طبرى، محمد بن جرير (۱۴۱۲). جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفة.
۴۶. عصار، محمد كاظم (۱۳۷۶). مجموعه آثار عصار، ايران: اميركبير.
۴۷. فخر رازى، محمد بن عمر (۱۴۲۰). تفسير كبير، بيروت: دار احياء التراث.
۴۸. فيروزآبادى، مجد الدين محمد بن يعقوب (۱۴۲۴). قاموس المحيط، تقديم: محمد عبد الرحمن المرعشلى، بيروت: دار احياء التراث العربى.
۴۹. فيومى، احمد بن محمد (۱۴۱۴). المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۵۰. قرافى، ابو العباس (بى تا). الذخيرة، بى جا: بى نا.
۵۱. قرطبى، محمد بن احمد (بى تا). الجامع لاحكام القرآن، بيروت: دار الفكر.
۵۲. قزوينى، على بن اسماعيل (۱۴۲۴). ينابيع الاحكام فى معرفة الحلال والحرام، قم: جامعه المدرسين.
۵۳. القطيفى، الشيخ نزار آل سنبل (۱۴۳۲). توحيد العبادة، قم: مركز الزهراء الاسلامى.
۵۴. كلباسى، محمد بن محمد ابراهيم (بى تا). الرسائل، قم: بى نا.
۵۵. ماترىدى، ابو منصور (۱۴۲۷). التوحيد، بيروت: دار الكتب العلميه، منشورات محمد على بيضون.



۵۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، بی‌جا: دار الکتب الاسلامیة.
۵۷. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶). روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق: موسوی کرمانی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۵۸. مدنی کاشانی، رضا (۱۴۱۱). براهین الحج للفقهاء والحجج، کاشان: مدرسه علمیه آیت‌الله العظمی مدنی.
۵۹. مدنی کاشانی، سید علی‌خان (۱۴۱۱). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، بی‌جا: نشر اسلامی.
۶۰. مراغی، احمد مصطفی (۱۹۸۵). تفسیر مراغی، بیروت: دار احیاء التراث.
۶۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). خداشناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۶۲. مصطفی، ابراهیم؛ نجار، محمد علی؛ عبدالقادر، حامد؛ زیات، احمد حسن (۱۴۱۸). المعجم الوسیط، تهران: مرتضوی.
۶۳. مهدوی، سید جابر؛ قاضی‌زاده، حسین (۱۳۸۹). «بررسی مفهوم عبادت از دیدگاه وهابیت و اهل سنت»، در: پژوهش‌نامه مذاهب کلامی، س ۱، ش ۱، ص ۹۱-۱۰۶.
۶۴. مهدی‌زاده، سید جلال؛ فرمانیان، مهدی (۱۳۹۸). «نقد دیدگاه وهابیت در مفهوم عبادت با تأکید بر آیه «فلا تدعوا مع الله احدا»»، در: پژوهش‌نامه مذاهب کلامی، س ۱، ص ۹-۳۸.
۶۵. النابلسی، عثمان مصطفی (۲۰۱۷). الرویة الوهابیة للتوحید و اقسامه، اردن: دار النور المبین للنشر والتوزیع.
۶۶. نائینی، محمد حسین (۱۴۱۱). کتاب الصلاة، قم: جامعه المدرسین.